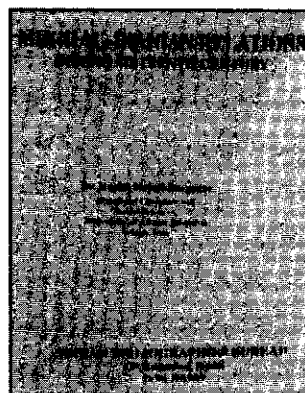


## معرفی های اجمالی

قدرت رسیدند و سرنوشت دو کشور به گونه ای رقم خورد که می تواند برای همیشه عبرت آموز باشد. در این زمان، روح ناآرام عارفانی که از برخوردهای سیاسی-اجتماعی جانشینان تیمور راضی نبودند و اقتدار روز افزون آنان که مآلاً منجر به روی کار آمدن صفویان شد، جلب توجه می کند. نهضت سربداران که از متن این طبقه از عرفا سر بر آورد، قابل ذکر است. این نهضت به عنوان یک جنبش خالص شیعی که طرفداران آن حاضر بودند برای استقلال ایران از دست بیگانگان بر سر دار روند، نماد برجسته ای برای دیگران در خراسان و دیگر مناطق ایران آن روز بود. این یک واقعیت روشن است که ظهیرالدین بابر، پنجمین خاندان تیمور، بنیانگذار امپراتوری تیموری در هند بود. او و جانشینانش، به ویژه همایون که بر اثر شکست از شیر شاه سوری به ایران پناهنده شد و شاه طهماسب ضمن استقبال شایان از او با حمایت نظامی انتقام شکست را گرفت و سلطنت را به او بازگرداند و صد البته اکبر کوشیدند همان سنت هایی را دنبال کنند که تیموریان ایران، به ویژه از نظر فرهنگی حفظ کرده بودند. چه حمایت های صفویان از آزاد نمودن خواهر بابر تیموری از اسارت از یک ها توسط شاه اسماعیل گرفته تا موارد دیگر، در واقع جامعه آن زمان هند را صبغه ایرانی داد و ازدواج همایون با دختر احمد جام ژنده پیل که ثمره آن تولد اکبر بود و دوره اکبر به عصر طلایی در تاریخ هند معروف است و به گسترش فرهنگ ایرانی همت گماشت، در این زمینه قابل ذکر است.

دلایل بسیاری باعث مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه خصوصاً هندوستان شد. علت اصلی، جاذبه های مادی و معنوی که از ویژگی های سرزمین دل انگیز هند بوده، عنوان شده است. میراث پیوندهای گذشته به شکل دیپلماسی فرهنگی در طول قرن

روابط ایران و هند در قرن دهم/شانزدهم، نوشته کریم نجفی بزرگر، دهلی نو، دفتر کتابشناسی های هند، ۲۰۰۶



اهمیت فراوان قرن دهم هجری در تاریخ ایران و هند، آثار قرن دهم هجری بر سده های بعد در تاریخ روابط ایران و هند، نقش عرفان در تحولات اجتماعی و سیاسی به ویژه اندیشه های عرفانی در پیدایش صفویه، رهیافت راهنما و راهگشا و البته قابل تأمل مؤلف در تحلیل عوامل مهاجرت ایرانیان از زوایای مختلف بر پایه عوامل جاذب و دافع به ویژه عامل اصلی داخلی و بالاخره نشان ناشری چون دفتر کتابشناسی های هند، عوامل کافی برای کشاندن هر علاقه مند به مباحث ایران و هند برای مطالعه کتاب روابط ایران و هند در سده دهم هجری / شانزدهم میلادی است. چنان که از عنوان کتاب پیداست، روابط ایران و هند در قرن دهم هجری مورد بحث و کنکاش قرار گرفته است. قرن دهم آغاز دوره ای بسیار مهم در تاریخ ایران و هند است؛ چه در هند تیموریان یا گورکانیان یا آن گونه که نزد دانشمندان هند متداول است، یعنی کورکانیان روی کار آمدند و در ایران صفویان به

دهم هجری حفظ شد. از نظر روابط سیاسی که نشانه‌ها و چشم اندازهای قابل توجه در تاریخ ایران و هند هستند در طول حکمرانی اکبر در اوج خود بودند. با توجه به این نکته‌ها، نویسنده به طرح و شرح آرای خود در این کتاب همت گماشته، کتاب را سرشار از پختگی و پروردگی و نو بودن مطالب ساخته است. افزون بر آن، نویسنده انبوهی از منابع تحقیقی و خصوصاً خطی ایران و هند را استفاده و حتی در جنبه نقد قرار داده است و این امتیازی ویژه به کتاب بخشیده است؛ چه اغلب نویسندگان در تحلیل وقایع تاکنون فقط به منابع موجود در یک سرزمین عنایت داشته‌اند.

این کتاب با پیش‌گفتاری از پرفسور هاربنس موکیا، از مورخان برجسته تاریخ هند میانه زینت یافته است. وی ضمن ستایش از کتاب حاضر، یادآوری می‌کند که مؤلف تاریخ مشترک ایران و هند را در دوره میانه در مقام مورخ آزاداندیش به دور از تعصب مورد بررسی انتقادی قرار داده است. در پیش‌گفتار مؤلف شعر معروف ملک الشعراء بهار «باز خنک فکرتم جولان گرفت / فیل طبعم یاد هندستان گرفت» به چشم می‌خورد و در مقدمه با نقل مطلبی از جواهر لعل نهرو مزین شده که می‌گوید «در میان اقوام بسیاری که با هند در تماس بوده‌اند و بر حیات و فرهنگ هند تأثیر گذاشته‌اند؛ کهن‌ترین و پایدارترین آنان ایرانیان بوده‌اند که از نظر تاریخی، نژادی و زبانی نسبت به بقیه نزدیک‌ترند.

کتاب در شش فصل فراهم آمده است. فصل اول (1-40) به شرایط آشفته ایران آن روز اشاره دارد و از رهگذر آن به شرایط سیاسی، اجتماعی و بالاخره به وضعیت فرهنگی حاکم بر جامعه در طول حکمرانی تیمور و جانشینانش و آثار ویرانگر حملات تیمور می‌پردازد. البته تأثیرات جانبی اجتماعات علمی و توسعه مناطقی مانند سمرقند و بخارا که تیموریان بدان توجه خاص مبذول می‌داشتند، گسترش جنبه‌هایی از فرهنگ و اندیشه ایران مانند تاریخ‌نویسی و هنر و معماری بوده و نویسنده از ذکر این نکته‌ها غافل نبوده است.

فصل دوم (41-100) فضای معنوی قرن ششم و هفتم هجری را ترسیم می‌کند و بر این نکته اشاره دارد که چنگیز موحد نبود، اما درباره موحدان و عالمان دین بی‌رحم و بی‌اعتنا نبود. نویسنده می‌خواهد به این نکته اشاره کند که تیمور در مقام یک مسلمانی که اندیشه حکومت بر مردم را در سر داشت، همان الگو را در پیش گرفت و این امر از جهتی زمینه‌های نفوذ مشایخ صوفیه را در بین مردم فراهم آورد. اما اعمال او و جانشینانش نارضایتی‌ها و مخالفت‌هایی را به دنبال داشت. در نتیجه جنبش‌های دینی-سیاسی شکل گرفتند که اولین جنبش از این نوع در خراسان به وجود آمد و به نهضت سرداران معروف است

و پیشگام جنبش‌های دیگری مانند حر و فیان، نقطویان و خصوصاً طریقت صوفیان صفوی که در پیروزی صفویه نقش بسیار داشت، شد. شاید به همین دلیل، فصل بعدی به طور تحسین‌برانگیزی حول محور این طریقت دور می‌زند و ساختار منسجمی از موضوع تحقیقی نویسنده به چشم می‌خورد.

فصل سوم (101-140) به ارتباط دین و سیاست می‌پردازد. اهتمام نویسنده در این فصل پاسخ به این پرسش است که چه شد و چگونه صوفیان طریقه عرفانی خود را به جنبش دینی-سیاسی تغییر دادند.

فصل چهارم (141-164) حول محور برخوردهای صوفیان با تیموریان و ازبکان دور می‌زند؛ چه صوفیان در ایران با دو دشمن بزرگ در مرزهایشان مواجه بودند: ترک‌های عثمانی در غرب ایران و ازبک‌ها در شرق ایران. به نظر مؤلف، برخورد صوفیان با هر دو بر پایه تفاوت‌های مذهبی-سیاسی استوار بود.

فصل پنجم (165-228) در این فصل ویژگی‌های اصلی روابط فرهنگی میان ایران و هندوستان به تفصیل طرح و شرح شده است.

فصل ششم (229-266) عامل اصلی مهاجرت ایرانیان به کشورهای همسایه خصوصاً هندوستان موضوع این فصل است. طبق تحلیل مؤلف، جاذبه‌های مادی و معنوی هندوستان، نه لزوماً مهمان‌نوازی درباریان و حمایت آنان از اهل هنر و اهل قلم علت اصلی مهاجرت عنوان شده است.

ایران آن چنان از ویرانگری‌های تیموریان زیان دید که در سده‌های بعد قابل جبران نبود؛ چه آن قربانی منویات تیمور شد. یورش‌های او منجر به بحران اقتصادی، بی‌عدالتی اجتماعی، فساد و بالاخره مهاجرت شماری از اهل هنر و اصحاب قلم به خارج از کشور شد، گو اینکه اقداماتی مثبت توسط تیمور و جانشینانش برای اصلاحات اجتماعی و فرهنگی صورت گرفت. گسترش و توسعه فرهنگی شهرهای سمرقند و بخارا، در این راستا است. همچنین مدارس، خانقاه‌ها، مساجد و خانه‌های خیریه در هر کوی و برزن ساخته شدند. تاریخ‌نگاری با هدف ثبت دستاوردهای تیمور و پیشینیان او رونق گرفت.

صوفیان پس از تأسیس دولت شیعی در ایران، به توسعه روابط خود با تیموریان هندوستان توجه کردند. این کوشش نخستین بار توسط شاه اسماعیل و بابر صورت گرفت. علت اصلی، سیاست گسترش خواهی شیبک‌خان ازبک، یعنی دشمن مشترک هر دو سلسله عنوان شده است. باری، ارزش‌های فرهنگی مشترک نقش بسیار مهم در توسعه روابط خوب میان دو کشور ایران و هند ایفا کرد.

به نظر مؤلف، علاوه بر تهدید قزلباش‌ها و خصومت ازبک‌ها و ترک‌های عثمانی، که نقش مهمی در مهاجرت مردم از ایران

و ۶۸ مجله وزین آینه پژوهش منتشر گردید. مقاله اول عمدتاً نقدی بر ابیات کتاب کلمات علیه غراً و ایراد اشکال به ضبط برخی کلمات آن و مقاله دوم پاسخی به انتقادات مطرح شده در مقاله اول بوده است.

کلمات علیه غراً (شرح منظوم کلمات امیر مؤمنان علی (ع)) به سال ۱۳۱۳ هـ. ش بر اساس نسخه خطی متعلق به کتابخانه مرحوم ملک الشعرای بهار [با تاریخ کتابت ۱۰۳۶] به همت کوهی کرمانی و با مقدمه مرحوم بهار و البته با اغلاط و ایرادات به چاپ رسیده بود. اثر مذکور مجدداً با مقدمه، تصحیح و تعلیقات سودمند آقای دکتر محمود عابدی و به همت مرکز نشر میراث مکتوب در سال ۱۳۷۸ منتشر شد.

آقای عابدی چنان که در مقدمه (ص ۳۶) اظهار داشته، علی رغم جست و جوی چند ساله به علت عدم دستیابی به نسخه ای از این اثر، همان چاپ کوهی کرمانی را ملاک کار قرار داده و تلاش نموده با ویرایش و بازخوانی دوباره، اغلاط متن را که گاهی هم چاپی بوده در جای خود نشان دهد و صورت صحیح را در متن ثبت کند. ایشان حتی به تصحیح قیاسی نیز اقدام کرده و ضبط هایی را بنا بر حدس و با تکیه بر شعرشناسی خویش در متن وارد کرده است.

به هر روی به علت در دسترس نبودن اصل نسخه و با توجه به وجود اشتباهات و اغلاط در چاپ کوهی کرمانی، در چاپ منقح این اثر نیز - علی رغم تلاش مصحح در جهت رفع اشکالات آن - همچنان این اشکالات و ایرادات باقی مانده است.

در اینجا به مصحح و ناشر محترم اثر مذکور و خوانندگان گرامی این مژده را می دهیم که اصل نسخه کلمات علیه یعنی نسخه متعلق به مرحوم بهار در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ضمن مجموعه شماره ۱۳۶۷۴ قرار دارد که در فهرست نسخه های خطی این کتابخانه غنی، مجلد ۳۷، ص ۱۹۷ معرفی شده است.

نگارنده این سطور ضمن مقابله متن چاپ شده به تصحیح آقای عابدی با نسخه موجود از اثر در کتابخانه مجلس، در اینجا به برخی از اختلافات و تفاوت های میان آنها اشاره کرده، به امید آن که در چاپ های بعدی این اثر ارزشمند، نواقص و اشکالات موجود مرتفع گردد.

بیت ۱۲:

گر چه نوح است ترس یزدانت  
موج طوفانت جوشن جاننت

نسخه:

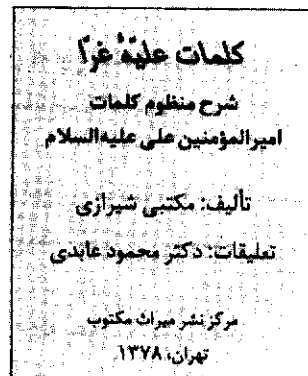
گر چه نوح است ترس یزدانت  
موج طوفانت جوشن جاننت

داشتند، عوامل دیگری مانند شرایط اقتصادی نامطلوب، تعصبات مذهبی و بی تفاوتی حاکمان صفوی نسبت به زبان فارسی و ادبیات آن دخیل بودند.

هسته اولیه این کتاب، در واقع پایان نامه ای است که مؤلف در دانشگاه جواهر لعل نهرو با نمره عالی از آن دفاع کرده است. به نظر هارینس مویا، رئیس مرکز مطالعات تاریخی دانشگاه این کتاب تحلیل ژرف و جامعی از برخوردها و چند و چون حکومت های مسلمانان در ایران و هند عرضه می دارد که توجه به آنها به عنوان عوامل مؤثر در رشد و انحطاط برای پژوهشگر امروزی بسیار راهنما و راهگشا خواهد بود. به ویژه اگر تاریخ را مانند گفت و گویی جاری و پایدار با همتایان درباره مسائل مهم و مورد علاقه گذشته، حال یا آینده بدانیم، سخن او بیشتر قابل درک است. چنان که در هر دادوستدی مدنی صورت می گیرد، درک دیدگاه های دیگری به همان اندازه ضروری است که بیان دیدگاه های خود. همچنین درباره مهاجرت گروهی از ایرانیان و دانشمندان در زمان صفویه، پدیده ای که تقریباً یک سونگرانه بررسی شده است این کتاب تحلیل جالب و جامعی را طرح و شرح کرده است.

از آن جا که این اثر گران سنگ به زودی به فارسی برگردانده می شود، همراه با افزودنی ها و اصلاحاتی خواهد بود و به مراتب شایسته تر و پستندیده تر عرضه خواهد شد؛ چه نویسنده فرهیخته پس از تدوین آن به تحصیل در مقطع فوق دکترای همت گماشت و در مقام صاحب نظری صاحب بصر، اندیشه اش را بارورتر ساخت. مرتضی رزم آرا

کلمات علیه غراً (شرح منظوم کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام). تألیف مکتبی شیرازی. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: دکتر محمود عابدی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.



فصل الخطاب یا آخرین سخن در رابطه با کتاب کلمات علیه غراً تا آن جا که نگارنده این مقاله اطلاع دارد تاکنون دو مقاله با عناوین «گل صد برگ باغ مرتضوی، نگاهی به کلمات علیه غراً» و نیز «نگاهی دوباره به نقد کلمات علیه غراً» در شماره های ۶۶

- بیت ۲۴ :  
 ره دو شد در میان دشت سیاه  
 همچو در نیمه شب سفیده و ماه  
 نسخه :
- بیت ۳۴۴ :  
 پیک سرگشته شد چنان ز هوس  
 که نداست راه را پیش از پس  
 نسخه :
- بیت ۴۹ :  
 ره دو شد در میان دشت سیاه  
 همچو در نیم شب سفیده ماه  
 نسخه :
- بیت ۴۱۰ :  
 منگر این عیش پادشاهانه  
 کین بود دام مرگ را دانه  
 نسخه :
- بیت ۵۲ :  
 خیز و بگشا دل از گلستان  
 چه گشاید ز سنگ گورستان  
 نسخه :
- بیت ۵۳۴ :  
 بود شخصی میانشان ذی شأن  
 که به بالا ز اوج داشت نشان  
 نسخه :
- بیت ۹۶ :  
 تو و طرف بهار در بستان  
 من و فصل خزان و گورستان  
 نسخه :
- بیت ۱۰۰ :  
 تو و طوف بهار در بستان  
 من و فصل خزان و گورستان  
 نسخه :
- بیت ۱۷۸ :  
 گفت دزدان که حمله آوردند  
 کاشکی با... ت همی بردند  
 نسخه :
- بیت ۱۷۸ :  
 گفت دزدان که حمله آوردند  
 کاشکی با خودت همی بردند  
 نسخه :
- بیت ۶۹۶ :  
 خواجه را با اصالت بسیار  
 برد بهر فروش در بازار  
 نسخه :
- بیت ۶۹۶ :  
 خواجه را با اصالت بسیار  
 برد بهر فلوس در بازار  
 نسخه :
- بیت ۷۴۶ :  
 بعد از بیت ۶۵۰ این بیت ساقط شده است :  
 مرغی از پیش شیخ فرزانه  
 بر بود و بخورد آن دانه  
 نسخه :
- بیت ۷۴۶ :  
 بعد از بیت ۶۹۴ این بیت ساقط شده است :  
 خشت من گشته مهر این همه خشت  
 تا من این را ز کف نخواهم هشت  
 نسخه :
- بیت ۲۰۲ :  
 مرد را چست و بر زمین انداخت  
 این به خویش او به ازدها پرداخت  
 نسخه :
- بیت ۲۰۲ :  
 مرد را چُست بر زمین انداخت  
 این به خویش او به ازدها پرداخت  
 نسخه :
- بیت ۲۰۲ :  
 پیک سرگشته شد چنان ز هوس  
 که ندانست پیش را از پس  
 نسخه :



بیت ۷۶۲:

از تواضع رسی به چرخ برین  
به تکبیر فروروی به زمین

نسخه:

نسخه:

که به رنج طلب نمی آرزد  
این حیات آن تعب نمی آرزد

بیت ۱۰۰۳:

از دم گرم آدمی هر دم  
چون نگردد شهی ز عالم کم

نسخه:

از دم گرم عالمی هر دم  
چون نگردد شهی ز عالم کم

و ...

بیت ۸۲۴:

گفت با خود مرانه خانه نه چیز  
چه کسم پیش میهمان عزیز

نسخه:

گفت با خود مرانه خانه نه چیز  
چه کشم پیش میهمان عزیز

بیت ۸۵۶:

[۴] از گرمیت کو چو ابر بهار  
چون بریزد بخندد آخر کار

نسخه:

آن گرمست کو چو ابر بهار  
چون بریزد بخندد آخر کار

بیت ۸۷۵:

چون گذارم که در عذاب بود  
گر برون آرمش صواب بود

نسخه:

چون گذارم که در عذاب بود  
گر برون آرمش ثواب بود

بیت ۹۱۶:

عاقبت گشت شاهیش روزی  
یافت آن دولت شباروزی

نسخه:

عاقبت گشت شاهیش روزی  
یافت آن دولت شبانروزی

بیت ۹۴۷:

هر که او را شکستگی کمتر  
در بقای وجود محکم تر

نسخه:

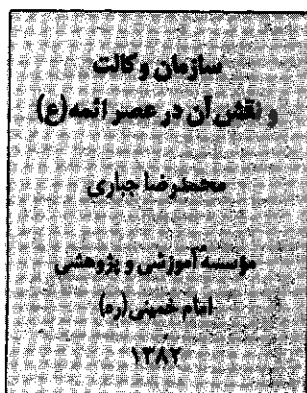
هر که رادلشکستگی کمتر  
در بقای وجود محکم تر

بیت ۹۶۲:

که به رنج و طلب نمی آرزد  
این حیات این تعب نمی آرزد

محمود نظری

سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)، محمدرضا جباری،  
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۲.



سازمان و کالت اصطلاحاً بر تشکیلاتی اطلاق می شود که از نیمه دوم عصر امامت، یعنی از عصر امام صادق (ع) به بعد، آغاز به کار کرد و رفته رفته از نظم و گسترده‌تری برخوردار شد، تا آنجا که در بعضی دوره‌ها، همچون عصر امامت عسکریین (ع) و سپس در عصر غیبت صغرا، به اوج گسترش و انسجام رسید و غالب نقاط شیعه‌نشین آن زمان در عالم اسلامی را زیر پوشش قرار داد.

تشکیلات یاد شده، از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی است. این مهم در کتاب «سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)» توسط دکتر محمدرضا جباری صورت عمل پذیرفته و در بهار سال ۱۳۸۲ توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) به چاپ رسیده است. این کتاب مشتمل بر یک مقدمه و نه فصل و خاتمه است. در بخش مباحث مقدماتی، به مباحثی همچون روش، سابقه، ضرورت و اهداف پژوهش، معرفی و بررسی منابع اصلی پژوهش، و بالاخره بررسی و توضیح واژه‌های

فصل اول با عنوان زمینه‌ها و عوامل تشکیل و گسترش سازمان وکالت توسط امامان شیعه (ع) است و در آن چهار عامل اساسی برای تشکیل و بسط فعالیت این سازمان معرفی شده است که عبارتند از: دوری مسافت بین مناطق شیعه‌نشین و مراکز استقرار امامان (ع)، وجود جو خفقان و دشواری ارتباط مستقیم بین امامان (ع) و شیعیان، فقدان دسترسی شیعیان به امامان (ع) به خاطر حبس، شهادت و غیبت، و بالاخره آماده‌سازی شیعیان نسبت به شرایط عصر غیبت. عوامل و زمینه‌های یاد نشده اقتضای آن داشت که امامان (ع) با تعیین و معرفی کسانی به عنوان وکیلان خود در مناطق شیعه‌نشین، کانال ارتباطی مطمئنی بین خود و شیعیان ایجاد کرده و مشکلات شیعیان را به حداقل برسانند.

در فصل دوم، «محدوده زمانی و سیر فعالیت سازمان وکالت از آغاز تا انجام» به بحث گذاشته شده است. بنابر دیدگاه پذیرفته شده در این فصل، تأسیس گسترش این تشکیلات - بر طبق شواهد موجود تاریخی - امام صادق (ع) بوده است که با تعدادی انگشت‌شمار از وکلای خود، چنین تشکیلاتی را عملاً راه‌اندازی کرد. در ادوار بعد، حرکت این سازمان به لحاظ کمی و کیفی حرکتی تصاعدی بوده است. در عصر امام کاظم (ع) هر چند، این سازمان با مشکلاتی همچون دستگیری و شکنجه حضرت و برخی از وکلا مواجه شد، اما نواحی تحت پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان با تشدید فعالیت‌ها گسترش می‌یافت. با شهادت امام کاظم (ع) گرچه به خاطر گرایش تعدادی از وکلای آن حضرت به مذهب وقف، عملاً ضربه‌ای سنگین بر این تشکیلات وارد آمد اما هوشمندی و درایت امام رضا (ع) موجب استمرار و حتی گسترش فعالیت این سازمان شد و نقش سازمان وکالت برای رفع نیازها و وظایف جدید جامعه گسترش یافت. با شهادت امام رضا (ع) و به امامت رسیدن فرزند هفت‌ساله ایشان، امام جواد (ع)، وکلای برجسته امام رضا (ع) نقش مهمی در رفع تردیدهای مربوط به امامت آن حضرت ایفا کردند؛ ضمن آن که فعالیت آنان همچنان رو به گسترش بود و مناطق وسیع‌تری را شامل می‌شد. در دوران طولانی امامت حضرت هادی (ع) (۲۲۰-۲۵۴ق) با بروز وضعیت جدید، یعنی انتقال آن حضرت از مدینه به سامرا، و ناممکن شدن تماس مستقیم بین امام (ع) و پیروانش، نقش مذهبی و سیاسی وکالت رو به افزایش نهاد و وکلای آن حضرت، مسئولیت بیشتری در گردش امور یافتند و به تدریج، این سازمان تنها مرجعی شد که می‌توانست حقانیت امام جدید را تعیین و ثابت کند. در این دوره و سپس دوره امامت امام عسکری (ع)، فعالیت سازمان وکالت با توجه به عوامل و زمینه‌های خاص این دوره که در آستانه عصر غیبت بود گسترش

یافته و تقویت شد. اهتمام این دو امام همام بر عادت دادن شیعه به مراجعه نزد واسطه یا باب خود، یعنی عثمان بن سعید عمری قرار داشت که مهم‌ترین وکیل این عصر و سپس اوایل عصر غیبت صفرا بود. با شهادت امام عسکری (ع) عثمان بن سعید، رهبری سازمان وکالت را به عنوان نخستین نماینده امام دوازدهم (عج) بر عهده گرفت و در پی او، فرزندش محمد، سپس حسین بن روح نوبختی، و در نهایت علی بن محمد سمري این نقش را عهده‌دار شدند. در این دوره، سازمان وکالت به بیشترین میزان گسترش خود در فصل سوم از این کتاب، قلمرو جغرافیایی فعالیت سازمان وکالت بررسی شده است. تنوع جغرافیایی جالبی که در نتیجه بررسی روایات مربوط به سازمان وکالت به چشم می‌خورد، از گستره فعالیت آن حکایت دارد. با توجه به شواهد موجود، این تشکیلات در طول دوره قریب به دو قرن فعالیت خود مناطق متعددی را تحت پوشش داشته که عبارتند از: ناحیه جزیره العرب شامل مدینه، مکه، یمن و بحرین. ناحیه عراق شامل کوفه، بغداد، سامراء، مداین و نواحی اطراف آن، واسط، بصره، نصیبین و موصل. ناحیه شمال افریقا شامل مصر و مغرب؛ و ناحیه ایران شامل قم، آوه و دیگر مناطق اطراف قم، ری، قزوین، همدان، دینور و قرمیسین، آذربایجان، اهواز، خراسان و ماوراءالنهر شامل: بیهق (سبزوار)، نیشابور، مرو، بلخ، کابل، سمرقند، کش و بخارا. در فصل چهارم این کتاب به یکی از مهم‌ترین مباحث، یعنی «ساختار و شیوه عملکرد سازمان وکالت» توجه شده است. رهبری این سازمان همواره در دست امامان معصوم (ع) بوده و اموری همچون تعیین و نصب وکلا و باب‌ها، تبیین شخصیت آنان برای شیعیان، مقابله با جریان‌های انحرافی مرتبط با سازمان وکالت، تبیین وظایف و نظارت بر عملکرد وکلا و باب‌ها، تأمین مالی وکلا و باب‌ها، و بالاخره، تأمین امنیت سازمان وکالت، را سامان می‌دادند. در این سازمان، وکلا و باب‌ها کارگزاران آن بودند و از عنصر نهان‌کاری و تقیه، و ابزارهای ارتباطی مناسبی همچون ارتباط مشافهه‌ای و مکاتبه‌ای و ارتباط با پیک و قاصد و نهایتاً ارتباط با روش‌های خارق عادت استفاده می‌شد.

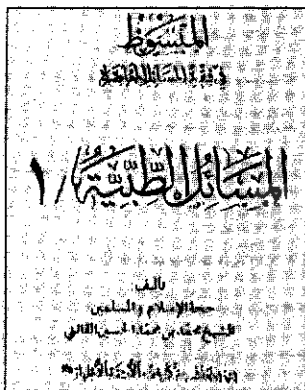
فصل پنجم به «وظایف و مسئولیت‌های سازمان وکالت» پرداخته است این وظایف و شؤون در هشت عنوان طرح شده که عبارت است از: نقش مالی، نقش ارتباطی، نقش علمی و ارشادی، نقش سیاسی، نقش حفاظتی برای امامان (ع) و شیعیان، نقش تمهیدی برای ورود شیعه به عصر غیبت، نقش اجتماعی و خدماتی نسبت به امامان (ع) و شیعیان، و بالاخره نقش مبارزاتی بر ضد منحرفان و مدعیان دروغین بابت. در این میان، نقش مالی و ارتباطی از

نیز عدم حضور امام، و امکان سوءاستفاده از این موقعیت بود. در این فصل، در مجموع، پانزده نفر به عنوان مدعیان دروغین و کالت و بابت معرفی شده اند.

آن چه گذشت گذری اجمالی بود بر محورهای اصلی و فرعی مورد بحث در این کتاب، که امید است در معرفی این اثر و آشنایی خوانندگان با چارچوب مباحث آن سودمند باشد.

رضا وکیلی

المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة، المسائل الطبیة، ج ۱، حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد قاضی، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.



#### طلیعه سخن

عالمان دینی بر این باورند، که فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. این عقیده شیعی است که در رأس کارزار با اندیشه مادی غرب قرار گرفته است و تا به امروز یکه تاز در میدان اندیشه و عمل، هم‌آورد می‌طلبد. این توانایی‌ها و قدرت شگرف و امدار اصول دینی و درونمایه‌های فرهنگ و اندیشه ناب دینی است که از خاندان عترت و طهارت (ع) نسل به نسل به ما منتقل شده است. عالمان شیعی با بهره‌گیری از پشتوانه فکری خود و با استفاده از اصل اجتهاد به معنای نوآندیشی و نوفهمی متون دینی توانسته‌اند در عصر غیبت معصوم، نیازهای بشر را رفع نمایند و ضمن حفظ تازگی و طراوت آموزه‌های دینی، بر اصول فکری خود پای بند باشند. فقه نیز که برنامه زندگی انسان متدین است توانسته نیازها و سؤالات بشر امروزی را با لحاظ «شرایط زمان و مکان»، «احکام حکومتی، احکام ثانوی، مصالح عامه و ... پاسخ گفته و نشان دهد که اسلام با پیشرفت و نوآوری هیچ تضادی ندارد، باید سعادت بشر آن‌طور که حکمت بالغه الهی اقتضا می‌کند تأمین گردد، و تنها راه سعادت واقعی بشر از طریق دین تأمین می‌شود. بنیان‌گذار این نحوه اجتهاد، عزیز

مهم‌ترین نقش‌های این سازمان بوده که هر دو نقش نیز در راستای اهداف سیاسی ائمه (ع) بوده است. علاوه بر این، نقش مهم علمی و ارشادی این سازمان - به ویژه در برهه‌های خاص - انکارناپذیر است.

در فصل ششم، ویژگی‌های کارگزاران سازمان و کالت - اعم از وکلا و باب‌ها - بررسی شده است. باب‌های معصومین (ع) کسانی بوده‌اند که با ویژگی‌هایی همچون قرب به معصوم و علم به اسرار او، جایگاه رفیع معنوی و معرفتی، اوج کتمان و تقیه، و بالاخره خرق عادت به وقت لزوم، دارای جایگاه برجسته‌ای در عصر ائمه (ع) بوده‌اند. هر چند سابقه وجود باب برای معصومین (ع) به ادوار پیش از تشکیل سازمان و کالت باز می‌گردد اما در دوران فعالیت این سازمان نیز برخی از باب (ع) به عنوان وکلای ارشد در کنار رهبری سازمان فعالیت می‌کردند. از بارزترین مصادیق این سخن، می‌توان به نواب اربعه در عصر غیبت صغرا اشاره کرد.

وکلای ائمه (ع) نیز از ویژگی‌هایی همچون عدالت و وثاقت، رازداری و نهان‌کاری، شناخت نسبی از معارف دینی، مطیع و مطاع بودن، نظم، دقت، کاردانی و احتیاط بهره‌مند بوده‌اند.

در فصل هفتم، ابتدا باب‌های معصومین (ع) و سپس وکلای هر یک از امامان، از امام صادق (ع) تا امام عصر (ع) به تفکیک، معرفی شده‌اند، و در ادامه، شخصیت و فعالیت‌های آنان شناسانده شده است. در این قسمت در مجموع، ۲۰ باب، و ۸۵ وکیل معرفی شده است که از امتیازات این کتاب است چرا که در هیچ یک از منابع رجالی، تاریخی و آثار مطالعاتی و تحقیقی، استقصای کامل نسبت به وکلای معصومین (ع) و شناسایی آنان صورت نگرفته است.

فصل هشتم و نهم این کتاب نیز به معرفی جریان‌های انحرافی پدید آمده در این سازمان پرداخته است. این جریان‌ها گاه به شکل خیانت و فساد در کارگزاران این سازمان، و گاه به شکل دعاوی دروغین و کالت و بابت بروز می‌کرد. در فصل هشتم، در مجموع، چهارده نفر به عنوان وکلایی که به نحوی به انحراف و فساد گراییدند معرفی شده‌اند. این انحرافات در نتیجه عواملی چون دنباطلبی و مال‌دوستی، انحرافات فکری و اعتقادی، حسادت نسبت به همگنان، وابستگی به دربار عباسی، و بالاخره فساد اخلاقی پدید می‌آمد و امامان (ع) و وکلای آنان نیز با عکس‌العمل مناسب، با آنان مقابله می‌کردند. این برخورد و مقابله گاه با عزل وکیل و معرفی از آنجا که منصب و کالت و بابت دارای جایگاه و منزلت والای اجتماعی در نزد شیعیان بود، و به ویژه به لحاظ دسترسی وکلا به اموال و وجوه شرعی، برخی به طمع دستیابی به این امتیازات، به دروغ مدعی و کالت یا بابت امام معصوم می‌شدند. بیشترین این دعاوی، در آستانه عصر غیبت صغرا و در این عصر بروز کرده است؛ دلیل آن

سفر کرده‌ای است که با دمیدن روح الهی خویش، در کالبد بی‌جان تفکر مسلمانان، طراوت و شادابی زائد الوصفی به آن بخشید، همو که اجتهاد مصطلح را برای اداره انسان و جهان امروز ناکارآمد خواند و توجه عالمان دینی را به دخالت عنصر «زمان و مکان» در اجتهاد جلب نمود و با پی ریزی اصل مترقی «ولایت مطلقه فقیه» بی‌کرا ن بودن اقبانوس معارف اسلامی را اثبات نمود.

مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) به دستور حضرت آیه‌الله العظمی فاضل لنکرانی (مد ظلّه) در راستای پاسخ به نیازهای مبرم فقهی معاصر و تربیت مجتهدان آگاه و قوی تأسیس شده است. در بخش آموزش این مرکز، کلاسی به مسائل نوپیدا اختصاص یافته که استاد و شاگردان درباره اینگونه مسائل به بحث و کنکاش می‌پردازند. کتاب المبسوط فی فقه المسائل المعاصره ثمره یکساله این گروه است که استاد محمد قاننی به عربی نگاشته و مرکز فقهی ائمه اطهار (ع) پس از ویرایش آن را به چاپ سپرده است.

مجلدات بعدی این کتاب در دست آماده سازی است. یکی از ابعاد پاسخگویی در فقه، مسائل مستحدثه است، که در اثر پیشرفت علمی بشر حادث شده است: طریقه نماز خواندن در قطبین (شمال و جنوب) چگونه است؟ در کرات آسمانی چگونه باید نماز خواند و روزه گرفت؟ باروری مصنوعی، سقط جنین و پیوند اعضا و هزاران مسئله دیگر که مربوط به زندگی عملی است، جلو روی فقیهان قرار گرفته که کتاب حاضر در پی پاسخگویی به تعدادی از این مسائل است. قبل از ورود به معرفی اجمالی اثر، ذکر این نکته بجاست که ای کاش این اثر به زبان فارسی به زیور طبع آراسته می‌شد و یا اینکه به طور همزمان ترجمه فارسی آن در اختیار پژوهشگران، دانشمندان و علاقه‌مندان به این گونه مباحث قرار می‌گرفت. به واقع زبان پارسی، زبان مشترک بین عالمان حوزوی و دانشگاهی ما است که استفاده از آن باعث تعامل و تضارب آرا شده و منجر به بالا رفتن تضارب علمی می‌شود. در مقدمه ناشر، اذعان شده که علم فقه در بین علوم گوناگون بیشترین میزان تحول و تکامل را شاهد بوده و علت آن را چند امر دانسته است:

۱. علم فقه عهده دار برآوردن نیازهای اساسی فردی و اجتماعی است. بین این نیازها و علم فقه رابطه و تعامل مثبت قرار دارد؛ بدین معنا که هر چه بر نیازمندی‌ها و پرسش‌های بشر اضافه گردد بر گستره علم فقه افزوده می‌شود، چرا که هر چه سؤالات افزون گردد، فقها باید پاسخ گویند. این تعامل و فرایند، گستردگی و تحول روزآمد فقه را در پی دارد.

۲. دقت و تجدیدنظر در مباحث فقهی گذشتگان، این براینند را در پی دارد که نتایج و دستاوردهای فقهی جدیدی متولد

می‌شود؛ چرا که مجتهد نظریات جدیدی را ابراز می‌دارد و به نتایج جدیدی می‌رسد.

۳. مجتهدی که چیرگی و احاطه لازم را بر مبانی و منابع فقهی داراست، دست به ابتکار زده و قواعد اصولی و فقهی جدیدی بنیان می‌نهد و فروع بسیاری را از آن اصول نتیجه می‌گیرد و هر زمان بر گستره فقه و اصول می‌افزاید.

۴. فقها در هر عصری، بعد جدیدی از دامان پر ثمر منابع (فقه و احادیث) کشف نموده و اسرار نهفته آن را آشکار می‌گردانند و میوه‌ای نوبرانه، از گلستان قرآن و حدیث می‌چینند؛ همان منابعی که در اختیار پیشینیان نیز قرار داشته ولی به هر دلیل چنین استفاده‌هایی تحقق پذیرفته است؛ مانند استفاده امام راحل از روایات و بنا نهادن اصولی مترقی و تأسیس امور فراوانی بر آن از قبیل حکومت اسلامی و ...

کتاب حاضر مشتمل بر مقدمه مؤلف و مدخل که دارای دو فصل می‌باشد و سه باب در خاتمه می‌باشد. ابتدا به ذکر عناوین کتاب پرداخته می‌شود، چرا که عناوین عربی بوده و برای اطلاع خوانندگان ناآشنا به زبان عربی ذکر می‌شود و بعد به بررسی و معرفی می‌پردازیم. در مدخل چند جهت است:

جهت اول: توفیقی بودن معاملات مانند عبادات.  
جهت دوم: معیار مسائل مستحدثه و انواع مسائل نوظهور.  
جهت سوم: بحث‌های مقدماتی و کلی در مورد مسائل مستحدثه که دارای دو فصل است:

فصل اول. حجیت عموماًت و اطلاقات در مسائل مستحدثه که در آن چند موضوع است:

موضوع اول: حجیت عموماًت و اطلاقات در مسائل نوظهور، نیز انواع قضیه در نصوص شرعی و فقهی.

نوع اول: نصوصی که به علت و فلسفه حکم تصریح شده است. (منصوص العله)

نوع دوم. نصوصی که حکم بدون علت و حکمت ذکر گردیده است. نوع سوم. گزاره شرعی، متضمن خطابی است که مختص مخاطب است.

نوع چهارم. العا کردن برخی خصوصیات توسط عرف متشرع. تنبیهات سه گانه:

تنبیه اول: علت و دلیل عمل به قیاس اولویت با توجه به عموم نبی از عمل به قیاس.

تنبیه دوم: فرق بین استحسان و الغای خصوصیات به صورت مقبول.

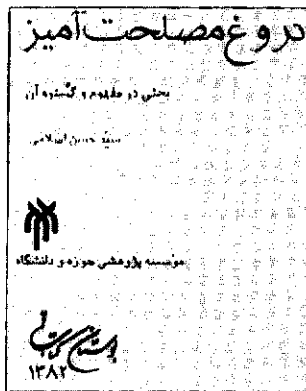
تنبیه سوم: عدم حجیت ادله احکام در مسائل جدید با یقین به مخالفت آنها با واقع.



شایان یادآوری است که کتاب فاقد هر گونه فهرستی [به غیر از فهرست مطالب] می باشد؛ برای آن فهرست آیات و روایات و فهرست های دیگری در نظر گرفته نشده است که بهتر بود چنین کاری صورت می گرفت.

حسین هاشمی شامروزی

دروغ مصلحت آمیز (بحثی در مفهوم و گستره آن) سید حسن اسلامی، ناشر: مؤسسه بوستان کتاب و مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۹۰ ص، وزیری.



دروغ و بسیاری دیگر از رذایل اخلاقی، تاکنون مجال چندانی برای بررسی های علمی و روان شناختی نیافته اند. افزون بر این، از منابع و متون دینی نیز، بیشتر از چند دستور عمل اخلاقی و ریشه یابی های معدود استخراج یا استنباط نشده است. این نقص و خلل، در فضایل نیز به چشم می آید. نظام اخلاقی اسلام، مبتنی بر پاره ای توصیه ها و شماری پرهیزهاست که تاکنون سیستم هماهنگ کننده فعالی برای آن پیشنهاد یا تئوریزه نشده است. آن چه در قرون و اعصار گذشته این توصیه ها و پرهیزها را به یکدیگر ربط سیستمی داده است، فلسفه اخلاقی یونان است که عالمان و مؤلفان اسلامی، سخاوتمندانه از آن وام گرفته و به استخدامش در آورده اند. اما آیا این نظام و ماشین نظری، قادر به بهره برداری های فعلیت یافته و عمیق از همه ظرفیت های اخلاقی ادیان توحیدی نیز هست؟ پاسخ به چنین سؤال و نظایر آن، موقوف به عرضه پژوهش های عمیق تر در رذایل و فضایل اخلاقی است. مادامی که دروغ، حسد، سخا، شجاعت و ... در محیط های اخلاقی محصور بمانند و به زیر چشم های تیزبین روان شناسان و فیلسوفان و نظریه پردازان جامعه گرا در نیایند، نمی توان از میان چند توصیه و پرهیز، نظامی منسجم و پاسخگو به همه احوال و امیال آدمیان بیرون کشید. همچنین، رذیلت و فضیلت هر سنجیده ای، تنها در بررسی های علمی و نظری ماهیت و کارکرد

موضوع دوم: دلایل قائلان به قصور ادله احکام برای فراگیری و شمول مصادیق جدید و رد آنها.

موضوع سوم: مؤیدات قول به حجیت عمومات در مسائل جدید. فصل دوم: تعریف عرف و موارد لزوم متابعت آن که چند موضوع قابل بحث در آن است:

- اول. انواع احکام عرف در مفهوم و مصداق و اقسام حکم عرف.
- دوم. حدّ جواز تقلید از عرف.
- سوم. علت تقلید در مفاهیم عرفیه با اینکه عرف، مرجع فقیه می باشد.
- چهارم. نفوذ فتوا بر مقلد در موضوعاتی مانند وصایا.
- پنجم. اعتبار عرف معاصر با زمان شارع، نه معاصر زمان ما.
- ششم. اعتبار موردی عرف معاصر.
- هفتم. عرف معتبر برای حلال یا حرام شمردن.
- هشتم. عرف معتبر به هنگام اختلاف عرف متکلم و مخاطب.
- نهم. تفاوت تسامحات عرفی و تطبیق های اشتباه.
- باب اول. مسائل مربوط به پیوند اعضا
- اول. قطع عضو از انسان زنده جایز نیست.
- دوم. آیا قطع عضو محکوم به قصاص یا رجم و حدّ برای پیوند جایز است؟

- سوم. قطع عضو شخص زنده به سبب جنایت.
- چهارم. جواز اخذ اعضای مرده مغزی.
- پنجم. عدم جواز قطع یا کالبدشکافی اعضای مسلمان مرده.
- این بحث، مسائلی را در بر دارد: همچون استدلال به احترام میت، حرمت مثله، و جوب دفن، نجاست عضو پیوندی و عدم جواز پیوند؛ زیرا جزء جدا شده، میت محسوب می شود.
- ششم. اخذ عضو زنده برای پیوند به دیگری.
- باب دوم. مسائلی در مورد نطفه و حمل (آبستن)
- اول. عدم جواز سقط جنین در حال اختیار (عدم ضرورت)
- دوم. سقط جنینی که به مادر آسیب می رساند.
- سوم. سقط جنین بیمار یا ناقص العضو.
- چهارم. عدم جواز سقط جنین زنا.
- پنجم. آگاهی از این که جنین بیمار است، و ولایت حاکم شرع.
- ششم. مداوای جنین.
- باب سوم. مسائلی در باروری مصنوعی
- اول. روا بودن تلقیح نطفه در زهدان زنی غیر از همسر و آن که در حکم همسر است مثل مملوکه.

- دوم. تلقیح زن طلاق داده شده (رجعی) به نطفه شوهر
- سوم. تلقیح اسپرم شوهر مرده به همسر.
- چهارم. تأثیر شیر صاحب رحم استیجاری در انتشار محرمیت.
- پنجم. دلایل عدم جواز تلقیح نطفه مرد بیگانه به زن.

اصلی خود را در روح و روان آدمیان نشان می‌دهد؛ و مادامی که در قالب مباحث و تألیفات اخلاقی محصور و محبوس باشند، لایه‌های عمودی و دامنه‌های افقی خود را نمی‌نمایانند.

دروغ مصلحت‌آمیز، نوشته جناب آقای سید حسن اسلامی می‌کوشد تا اعماق و ابعاد بیشتری از دروغ را بکاود و به پیش چشم محققان در اخلاق نظری آورد. وی هدف خود را از این اثر که به واقع پایان‌نامه کارشناسی ارشد او است، این‌گونه توضیح می‌دهد: «... این نوشتار در پی تبیین رابطه حکم کلی دروغ و دروغ‌های مجاز است.» (ص ۲۲) نگارنده می‌کوشد تا به استناد متون و منابع مربوط، پاره‌ای تنگناها را بنمایاند و دیدگاه‌های مختلف را در این عرصه نشان دهد. گزارش وی از این انتظار و آرا، خالی از نقد و نکته‌گیری نیست؛ گرچه پاره‌ای از نکته‌گیری‌های او بیشتر به مثابه نکته‌گویی است. درباره ضرورت چنین تحقیقی که به دعوی و اظهار نظر نویسنده، بکر و بدیع است، می‌نویسد: «غالب کسانی که متعرض این بحث شده‌اند، در حد کلی گویی توقف کرده‌اند و از ورود به مطلب و طرح مورد به مورد مسائل آن، و به اصطلاح بررسی موردی تن زده‌اند. از این رو نگارنده، کوشیده است تا پرسش‌هایی را که در ذهن خود داشته، طی فصل‌هایی مجزا و مستقل به روی کاغذ آورد.» (همان).

کتاب دروغ مصلحت‌آمیز، در دو بخش صورت می‌بندد: در بخش نخست، مباحث نظری مجال طرح و بررسی می‌یابند. این مباحث از ارائه چشم‌اندازی درباره دروغ و تعریف آن آغاز می‌شود و پس از بررسی مفهوم دروغ مصلحت‌آمیز که سعدی از آن سخن گفته است، دیدگاه‌های مختلف را در این باره برمی‌رسد. در پایان این بخش، به دیدگاه‌های کانت نیز اشاره می‌کند و معیار دروغ‌های مجاز را از منظر او می‌کاود.

بخش دوم را با اشاره به مصادیق دروغ‌های مجاز آغاز می‌کند که عبارتند از: دروغ در جنگ، برای اصلاح، ترویج دین، مصالح سیاسی، دروغ به زن، کودکان، بیماران محتضر و دروغ‌های بی‌ضرر. نویسنده در هیچ‌یک از این مصادیق، تسلیم شهرت‌ها و مقبولیت‌های سنتی نمی‌شود و یک‌یک آنها را به بحث و بررسی می‌گذارد. پیوست پایانی کتاب نیز، امکان داوری یا استنتاج‌های دیگر را برای خواننده فراهم می‌کند.

در این پیوست، مقالات و رساله‌هایی از نویسندگان اسلامی و غربی درباره دروغ، ترجمه یا گزارش شده است. یک مقاله از محمد غزالی، دو نوشتار از کانت، نوشته‌های ملامهدی نراقی، احمد نراقی، علی دشتی، غلام‌رضا کیان‌پور، اعتصام‌زاده، درگاهی، خاندانی کرمانی، نثری، حسینعلی راشد، مرتضی مطهری، علی قدوسی، محمدرضا مهدوی کنی، محمدتقی

مصباح یزدی، محمد لگنهاوزن و سید رضا صدر.

برای آشنایی بیشتر با شیوه نویسنده در این تحقیق خواندنی و مغتنم، خلاصه‌ای از بحث او را درباره «جواز دروغ به زن» گزارش می‌کنیم. وی پس از نقل احادیث مربوط به جواز دروغ مرد به زن یا زن به مرد، و نقل اقوال بسیاری در این باره، نتیجه می‌گیرد: «با طرح و بررسی احادیث و ادعای ضرورت در باب دروغ گفتن به زن، به این نتیجه می‌رسیم که پذیرش مضمون آن دشوار است. نه از احادیث می‌توان جواز دروغ را بیرون کشید و نه دروغ به زن از مصادیق ضرورت است و به تعبیر دیگر، نه شرع مؤید این مدعاست و نه عقل. از این رو دروغ گفتن به زن با این عنوان، به هیچ وجه مجاز نیست.» (ص ۲۷۷) «مفاسد دروغ به زن چندان فراوان است که با مصالح احتمالی و اندک آن قابل مقایسه نیست. دروغ به زن، بنیاد خانواده را در درازمدت متزلزل می‌کند؛ موجب سلب اعتماد از یکدیگر می‌شود؛ زن را به دروغ‌گویی متقابل برمی‌انگیزد و الگویی نامناسب و مخرب برای فرزندان تولید می‌کند.» (ص ۲۷۹) «اگر هم در جایی از دروغ میان زن و شوهر سخن رفته، حداکثر دلالتش آن است که آنان در ابراز محبت‌های مبالغه‌آمیز به یکدیگر آزادند و چون این بازی دو طرفه است، مسئله فریب‌کاری در میان نخواهد بود و از مقوله دروغ اصطلاحی بیرون خواهد بود.» (ص ۳۸۰) چنین نتیجه‌ای را وی، پس از نقد و بررسی‌های بسیار در روایات و مسائل جانبی آنها پیش روی خواننده خود می‌نهد.

گفتنی است که تعبیر «دروغ مصلحت‌آمیز» همان‌گونه که مشهور است از زبان سعدی، وارد ادبیات و فرهنگ بومی ما شده است. نویسنده کتاب، حکایتی را که سعدی در این باره آورده است، در مقدمه فصل چهارم کتاب نقل می‌کند و ما نیز از باب حسن ختام در پایان این معرفی می‌آوریم:

«پادشاهی را شنیدم که به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در حالت نومیدی به زبانی که داشت ملک را دشنام دادن گرفت... ملک پرسید که چه می‌گوید. یکی از وزیران نیک محضر گفت: ای خداوند جهان! همی گوید: الکاظمین الغیظ والعافین عن الناس. ملک را رحمت در دل آمد و از سر خون او درگذشت. وزیر دیگر گفت: ابنای جنس ما را نشاید در حضرت پادشاهان، جز به راستی سخن گفتن. این، ملک را دشنام داد و سقط گفت. ملک روی از این سخن درهم کشید و گفت: مرا آن دروغ‌پسندیده تر آمد از این راست که تو گفتی که روی آن در مصلحتی بود و بنای این بر خُبثی. و خردمندان گفته‌اند: دروغی مصلحت‌آمیز، به از راستی فتنه‌انگیز.» (همان، ص ۹۳)